

عیقوق نبی این کتاب را احتمالاً بین سالهای ۶۰۵ و ۵۸۶ ق.م. نوشته است. در کتابش سؤالی مطرح می‌کند مبنی بر اینکه چرا قوم یهود تا این حد پلید و گناهکار شده‌اند. او از آنان می‌خواهد که توبه کنند و از شرارت خود دست بردارند والا فرعون دشمن شمالی آنان، بابلی‌ها را می‌فرستد تا سرزمین یهود را با خاک یکسان کنند. در ضمن عیقوق اضافه می‌کند که فرعون به موقع خود بابلی‌ها را نیز که بدتر از یهودیان هستند نابود خواهد کرد.

عیقوق همچنین یادآور می‌شود که در زحمات و مشکلات باید بقاظر داشت که فرعون امین و وفادار است و باید به او اعتماد داشت. عیقوق در کتابش سؤالاتی مطرح می‌کند و منتظر می‌ماند تا فرعون به آنها پاسخ گوید.

در آخرین فصل کتاب، عیقوق دعای خود را بصورت سرودی ارائه می‌دهد. کلمات این سرود حاکی از ایمان عیقوق است به فدایی که با قدرت فویش عالم هستی را اداره می‌کند و بر آن تسلط کامل دارد. با وجود مشکلات و ناکامی‌های زندگی، ایمان عیقوق مکلم پابرجاست و او را از شاری فرعون سرشار می‌سازد: «هر چند درخت انبیر شکوفه نهد و درخت انگور میوه نیاورد، هر چند مضمول زیتون از بین برود و زمینها بایر بمانند، هر چند گله‌ها در صفا بمیرند و آغلها از حیوانات فالی شوند، اما من شاد و فوشال فواهم بود، زیرا فرعون نجات دهنده من است.»

این است پیغامی که خداوند در رؤیا به حبقوق نبی نشان داد.

شکایت حبقوق

آی خداوند، تا به کی از تو کمک بطلبم تا مرا اجابت فرمایی؟ هر چه فریاد برمی‌آورم بی‌فایده است، زیرا تو ما را از ظلم نجات نمی‌دهی. تا به کی باید ناظر این بی‌عدالتی‌ای که اطراف مرا گرفته است باشم؟ چرا کاری نمی‌کنی؟ به هر جا که نگاه می‌کنم خرابی و ظلم می‌بینم، همه جا را جنگ و دشمنی فرا گرفته است. قانون اجرا نمی‌شود و دادگاهها، عدالت را بیجا نمی‌آورند. شروران، درستکاران را در تنگنا گذاشته‌اند و عدالت مفهوم خود را از دست داده است.

پاسخ خداوند به قوم یهود

«به قومهای اطراف خود نگاه کنید و تعجب نمایید! شما از آنچه می‌خواهم انجام دهم حیران خواهید شد! زیرا در روزگار شما کاری می‌کنم که حتی وقتی خبرش را به شما دهند، باور نکنید! من بابلی‌های

ظالم و ستمگر را به قدرت می‌رسانم و آنها به سراسر جهان تاخته همه جا را به تصرف خود درخواهند آورد. آنها به سنگدلی معروفند، هر چه بخواهند می‌کنند، و کسی را یارای مقاومت در برابر آنها نیست. مردمانی هستند درنده‌خو، درنده‌تر از گرگهای گرسنه. اسبهایشان از پلنگ سریع‌ترند. سواران آنها از سرزمین دوردست می‌تازند و همچون عقاب بر سر صید خود فرود می‌آیند. با خشونت به پیش می‌تازند و مثل ریگ بیابان اسیر می‌گیرند.

«پادشاهان و بزرگان را تمسخر می‌کنند و قلعه‌ها را به هیچ می‌شمارند. در پشت دیوار قلعه‌ها خاک انباشته می‌کنند و آنها را تصرف می‌نمایند! مثل باد یورش می‌برند و می‌گذرند. ولی گناهشان بزرگ است، زیرا قدرت خود را خدای خود می‌دانند.»

شکایت دوم حبقوق

آی خداوند، خدای من! ای قدوس من که از ازل هستی! تو نخواهی گذاشت که ما نابود شویم. ای خدایی که صخره ما هستی، تو به بابلی‌ها قدرت

زمانی خواهد آمد که همه این اسیرشدگان آنها را تمسخر کرده، خواهند گفت: «ای کسانی که مال و ثروت مردم را بزور از چنگشان درآورده‌اید، اینک به سزای ستمگریها و غارتگریهای خود می‌رسید.»

ای کسانی که بر دیگران ظلم کرده‌اید، طلبکارانتان ناگهان برخاسته، بر سرتان خواهند ریخت و شما را که درمانده شده‌اید غارت خواهند کرد. بسیاری از قومها را غارت کردید و حال، بقیه قومها شما را غارت خواهند کرد، زیرا خون مردم را ریختید و سرزمینها و شهرها را با مردمش نابود کردید.

وای بر شما که از راههای نادرست ثروت اندوخته‌اید تا زندگی امن و راحتی داشته باشید. وای بر شما که قومها را نابود کرده‌اید، زیرا ننگ و نابودی برای خود به بار آورده‌اید. حتی سنگهای دیوار و تیرهای سقف خانه‌تان بر ضد شما فریاد برمی‌آورند!

وای بر شما که شهرها را با پولی که از راه آدمکشی و غارت به دست آورده‌اید، می‌سازید؛ زیرا دارایی خدانشناسان دود شده، به هوا می‌رود و دسترنج آنها نابود می‌گردد. خداوند قادر متعال چنین مقرر کرده است.

همانگونه که آبها دریا را پر می‌سازند، زمانی خواهد رسید که درک و شناخت عظمت خداوند، جهان را پر خواهد ساخت.

وای بر شما که همسایگان خود را در زیر ضربه‌هایتان مانند آدهای مست، بیحال و گیج می‌کنید و در آن حال از رسوایی آنها لذت می‌برید. بزودی شکوه و جلال خود شما به ننگ و رسوایی تبدیل خواهد شد و شما پیاله داوری خداوند را خواهید نوشید و گیج شده، به زمین خواهید افتاد. جنگلهای لبنان را از بین بردید، اکنون خود شما نابود خواهید شد! حیوانات آنجا را به وحشت انداخته کشتید، پس حال، برای تمام آدمکشی‌ها و ظلم و ستمی که در سرزمینها و شهرها کردید، وحشت‌زده کشته خواهید شد.

از پرستش بتهایی که به دست انسان ساخته شده‌اند چه فایده‌ای بردید؟ آیا آنها توانستند چیزی به شما یاد دهند؟ چقدر نادان بودید که به ساخته دست خودتان

بخشیدی تا ما را مجازات کنند. درست است که ما گناهکاریم، ولی آنها از ما گناهکارترند. چشمان تو پاکتر از آن است که بر گناه بنگرد، و تو عادلتر از آن هستی که بی‌انصافی را تحمل کنی. پس چرا هنگامی که شروران مردمی را که از خودشان بی‌گناهند می‌بلعند، خاموش می‌مانی؟

چرا مردم را مانند ماهیان و جانوران دریا که مدافعی ندارند به قلاب بایلی‌ها می‌اندازی؟ آنها با تور خود مردم را به دام می‌اندازند و از صید آنها شادی می‌کنند. سپس رفته، تورهای خود را پرستش می‌نمایند و برای آنها قربانی می‌کنند، زیرا خوراک و ثروت خود را مدیون این تورها می‌دانند.

آیا تو می‌گذاری آنها دایم به کشتار خود ادامه دهند و مردم را بی‌رحمانه نابود کنند؟

۲ اکنون از برج دیده‌بانی خود بالا می‌روم و منتظر می‌مانم تا ببینم خداوند به شکایت من چه جواب می‌دهد.

جواب خداوند

خداوند به من فرمود: «آنچه را به تو نشان می‌دهم با خطی درشت و خوانا بر تخته سنگی بنویس تا هرکس بتواند با یک نگاه آن را بخواند. اگر چه آنچه به تو نشان می‌دهم در حال حاضر اتفاق نمی‌افتد، ولی مطمئن باش که سرانجام در وقت معین بوقوع خواهد پیوست. هر چند تا وقوع آن، مدت زیادی طول بکشد، ولی منتظر آن باش، زیرا وقوع آن حتمی و بدون تأخیر خواهد بود. این را بدان که بدکاران نابود خواهند شد زیرا به خود متکی هستند، اما درستکاران زنده خواهند ماند زیرا به خدا ایمان دارند.»*

بدرستی که ثروت، خیانتکار است و این بایلی‌های متکبر را به دام خواهد انداخت. آنها با حرص و ولع، مانند مرگ، قومها را یکی پس از دیگری به کام خود می‌کشند و اسیر می‌سازند و هرگز سیر نمی‌شوند. اما

* «اما درستکاران...» یا «درستکار بوسیله امانتش زنده خواهد ماند.»

آمدند.^{۱۱} از نور تیرهایت و از برق نیزه‌های درخشان
خورشید و ماه ایستادند.^{۱۲} با غضب جهان را پیمودی و
قومها را زیر پای خود لگدمال کردی.^{۱۳} تو برای نجات
قوم برگزیده خود برخاستی و رهبر شروران را نابود
کردی، پیروانش را از بین بردی.^{۱۴} آنها مثل گردباد بیرون
آمده، خیال کردند اسرائیل به آسانی به چنگشان می‌افتد،
ولی تو با سلاحهای خودشان آنها را نابود کردی.^{۱۵} با
اسبان خود از دریا عبور کردی و آبهای نیرومند را زیر پا
نهادی.

^{۱۶} وقتی اینها را می‌شنوم، می‌ترسم و لبهایم می‌لرزند.
بدنم بی‌حس و زانوانم سست می‌گردند. انتظار روزی
را می‌کشم که خدا قومی را که بر ما هجوم می‌آورد
مجازات کند.

^{۱۷} هر چند درخت انجیر شکوفه ندهد و درخت انگور
میوه نیاورد، هر چند محصول زیتون از بین برود و
زمینها بایر بمانند، هر چند گله‌ها در صحرا بمیرند و
آغلها از حیوانات خالی شوند،^{۱۸} اما من شاد و
خوشحال خواهم بود، زیرا خداوند نجات دهنده من
است.^{۱۹} او به من قوت می‌دهد تا مانند آهو بدم و از
صخره‌های بلند، بالا بروم.

توکل کردید! ^{۱۹} اوای بر آنانی که از بتهای چوبین و
بی‌جان خود می‌خواهند که به پا خیزند و ایشان را
نجات دهند! و از سنگهای بی‌زبان انتظار دارند که
سخن بگویند و ایشان را راهنمایی کنند! بیرون بتها با
طلا و نقره پوشانیده شده است، ولی در درونشان
نفسی نیست.
^{۲۰} خداوند در خانه مقدس خویش است؛ پس تمام
جهان در حضور او خاموش باشد.

دعای پیروزی حقوق

این است دعای حقوق نبی:

^۳ آئی خداوند، خبری را که به من دادی شنیدم و
برای کارهایی که بزودی انجام خواهی داد با ترس و
احترام تو را پرستش می‌کنم. دوباره مثل سالهای
گذشته قدرت خود را به ما نشان ده تا نجات یابیم و
در حین غضب خود، رحمت را به یاد آور.
^۴ خدا را می‌بینم که از کوه سینا می‌آید. جلالش آسمانها
را دربر گرفته و زمین از حمد و سپاس او پر است!
دُرخشش او مانند طلوع خورشید است و از دستهای
او که قدرتش در آنها نهفته است، نور می‌تابد. او
مرض را پیشاپیش خود می‌فرستد و به مرگ فرمان
می‌دهد که بدنبال او بیاید. ^۶ وقتی او می‌ایستد زمین
تکان می‌خورد و هنگامی که نگاه می‌کند، قوما
می‌لرزند. کوههای ازلی خرد می‌شوند و تپه‌های ابدی
با خاک یکسان می‌گردند.

قدرت او بی‌زوال است. ^۷ مردمان کوشان* و مدیان را
می‌بینم که دچار ترس و اضطراب شده‌اند.
^۸ خداوند، آیا تو بر رودخانه‌ها و دریا خشمگین بودی که
بر اسبان و عرابه‌هایت سوار شدی؟ نه، تو برای پیروزی
قومت این کار را کردی. ^۹ تو کمان را بدست گرفته،
تیرها را آماده کردی و صاعقه را فرستاده زمین را
شکافتی. ^{۱۰} کوهها تو را دیدند و به لرزه افتادند و سیلابها
جاری شدند. آبهای عمیق طغیان کردند و امواجشان بالا

*